



## شواهد عصب - روانشناختی برای وجود ابعاد اسکیزوتایپی:

### کاربردهای آن در خلاقیت و روان آسیب‌شناسی

از قرن‌ها پیش ارتباط خلاقیت با بیماری روانی مطرح و درباره آن بحث فراوانی بوده است. شرح زندگی‌نامه برخی موسیقی‌دانان مشهور، فلاسفه، دانشمندان، نویسندگان و شعرا، مقاطع زمانی از پسیکوز یا خودکشی را نشان می‌دهد. به علاوه مطالعات روان‌شناسی نشان داده که افراد بسیار خلاق بیش از افرادی که خلاقیت کمتری دارند، روان آسیب‌شناسی دارند.

این تحقیق تمرکز بر خصوصیات دارد که می‌تواند هم با خلاقیت و هم با بیماری روانی همراه باشد. شخصیت اسکیزوتایپال به عنوان کاندید برای آسیب‌پذیری به اسکیزوفرنیا و همچنین عاملی قوی برای خلاقیت انتخاب شده است.

شخصیت اسکیزوتایپال مشتمل بر خصوصیات است که منجر به رفتارهایی می‌شود که از نظر شناختی، هیجانی و اجتماعی از نظر دیگران غیر معمول به نظر می‌رسد.

بعضی از محققین عقیده دارند که حداقل بعضی از خصوصیات افراد اسکیزوتایپال بخصوص دریافت‌های حسی غیر معمول ممکن است با افزایش عملکرد انطباقی، و عقاید جادویی ممکن است با افزایش خلاقیت و معنویت همراه باشد.

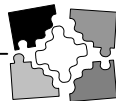
گروهی از مطالعات نشان داده‌اند که تمایلات معنوی می‌تواند برای افراد در شرایط مواجهه با استرس یک مزیت انطباقی باشد. افراد دارای این خصوصیت عمدتاً میزان کمتری آن‌هدونیا (anhedonia) دارند که موجب تجارب درکی لذتبخش بیش از جمعیت عمومی می‌شود. این تجارب حسی غیر معمول در بعضی شرایط، انطباقی محسوب می‌شوند و می‌توانند موجب تحمل بیشتر در وقایعی مانند درد پس از عمل جراحی شوند.

بعلاوه، دیده شده که تجارب حسی غیر معمول و تفکرات جادویی با تفکر واگرا (divergent thinking) و خلاقیت ارتباط دارند. تفکر واگرا به عنوان جز مهمی از فرایند خلاقیت تلقی می‌شود. در

آزمون‌هایی که از افراد با شخصیت اسکیزوتایپال به عمل آمده این نوع تفکر در پاسخ‌ها بیشتر نشان داده شده است.

از همان ابتدا اسکیزوتایپی به صورت دو دسته از علائم مثبت و منفی اسکیزوفرنیا شناخته شده است. ابعاد اسکیزوفرنیا و اسکیزوتایپی، همچنین با گروهی از خصوصیات شخصیتی همراهی داشته‌اند. اسکیزوتایپی مثبت (positive schizotypy) با neuroticism و openness بالا و agreeableness پائین همراه است. در حالی که اسکیزوتایپی منفی (negative schizotypy) با neuroticism بالا و openness پائین همراه است.

انبوهی از مقالات عقیده دارند که جنبه‌هایی از اسکیزوتایپی مثبت و نه اسکیزوتایپی منفی با خلاقیت ارتباط دارد. از مطالعات نظری و عملی چنین بر می‌آید که خلاقیت با عملکرد نیمکره راست ارتباط دارد. مطالعات نوروسیکولوژیک نشان دادند که افراد اسکیزوتایپال در پردازش نیمکره‌ها عدم تقارن دارند که به علت برتری نیمکره راست است و همین سوگیری نیمکره‌ای ممکن است عامل سست شدن تداعی‌های آنها



باشد. اتصال غیر معمول عقائد به هم که توسط فعالیت نیمکره راست تسهیل می شود ممکن است قسمتی از تفکر خلاق باشد؛ البته این حالت در صورتی که شدید باشد می تواند منجر به هذیان شود. در تأیید این مطلب، آزمودنی های اسکیزوتایپال در تست های غیر کلامی خلاقیت نمره بالاتری از گروه کنترل بدست می آورند و این تست ها به وضوح همراهی عملکرد نیمکره مغز را در خلاقیت در افراد اسکیزوتایپال مثبت تأیید می کند. از طرفی یک مطالعه نشان داد که اسکیزوتایپی مثبت و نه منفی پاسخ به کلمات منفی را در تست stroop تحت تأثیر قرار می دهد. مطالعات نوروپسیکولوژیک و تصویربرداری مغزی این مطلب را که جنبه هایی از شخصیت اسکیزوتایپال با عملکرد بهتر بر آزمودنی های وابسته به تفکر واگرا و خلاقیت ارتباط دارند، تأیید می کنند. داده ها و آزمون های مربوط به خلاقیت نشان می دهند که علیرغم عملکرد غیر انطباقی در بسیاری از موارد، اسکیزوتایپال های سالم که حامل ژن اسکیزوفرنیا هستند، می تواند وجود داشته باشد.

Fisher, J.E., Mohanty, A., Herrington, J.D., et. al. (2004). Neuropsychological evidence for dimensional schizotypy: Implication for creativity and psychopathology. *Journal of Research in Personality*, 38, 24-31.

ترجمه و تلخیص: دکتر علی فرهودیان